

Article Type: Research

نوع مقاله: پژوهشی

## تحلیل حق حضور وکیل در مرحله محاکمه در حقوق کیفری ایران

محمد عندلپ<sup>۱</sup>، حسین آقایی جنت مکان<sup>۲</sup>

## چکیده

**زمینه و هدف:** وکالت از مهم ترین نهادهایی است که در فرآیند تحقق عدالت، می تواند نقش سازنده ای داشته باشد، از این رو وکالت شغلی است که در بسامانی و یا نابسامانی نظام حقوقی و قضایی هر کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. حضور وکیل در محاکمات قضایی، سبب تسهیل کشف حقیقت و پیشگیری از اجحاف و نقض حقوق شهروندان تا حد قابل توجهی خواهد شد. ضرورت و اهمیت حق دفاع، موجب شده است تا نظام های حقوقی و قضایی پیشرفته جهان، به دیده یک رکن مهم دادرسی عادلانه و منصفانه به آن بنگرند. از این رو، حضور وکیل مدافع، در مرحله محاکمه، از حقوق مهم و اولیه متهمین بوده که با این اوصاف، وکالت در امور کیفری از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است.

**روش:** روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی است. بدین معنا که اطلاعات لازم با استفاده از منابع مختلف مثل کتابخانه، مقالات، سایت های اینترنتی و ... جمع آوری گردیده و با استفاده از قواعد اصولی، حقوقی و منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**یافته ها و نتایج:** نتایج پژوهش، حاکی از آن است که در نظام حقوقی ایران، متهمان می توانند در مرحله محاکمه از وکیل، به منظور ارائه ای مشورت های مناسب و انجام دفاعیات به موقع، جهت احقاق حق خود بهره جسته، کما اینکه وکیل، کارکردهایی از قبیل تأثیرگذاری بر روی سیاست تقنینی و قضایی هر کشور دارد. مع الوصف نگارندگان به بررسی موضوع وکالت در فرآیند دادرسی کیفری ایران که مبتنی بر سیستم یک پایه ای وکالت، یعنی وکیل مدافع است پرداخته اند.

**کلید واژه ها:** وکالت، دادرسی کیفری، حقوق دفاعی متهم، دادرسی منصفانه، مرحله محاکمه.

\* استناددهی (APA): عندلپ، محمد؛ آقایی جنت مکان، حسین. (۱۴۰۰). تحلیل حق حضور وکیل در مرحله محاکمه در حقوق کیفری ایران. تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۴(۵۲)، ۳۷۵-۳۵۷.

[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_688163.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_688163.html)

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبئی، امارات متحده عربی. رایانامه: andalib.mohammad@gmail.com

۲. دانشیار مدعو گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبئی، امارات متحده عربی. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: Housein\_aghaei@yahoo.com



## مقدمه

در مرحله محاکمه رسیدگی پس از خاتمه تحقیقات و اخذ آخرین دفاع و اعتقاد مقام تحقیق به جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب آن به متهم، قرار «جلب به دادرسی»<sup>۱</sup> صادر می‌شود. دادستان مکلف است ظرف مهلت سه روز، نظر خود را نسبت به قرار مذکور اعلام کند. در صورت موافقت دادستان، کیفرخواست صادر و پرونده به دادگاه ارسال می‌شود. نهایتاً قضات دادگاه درباره اتهام وارد بر متهم اتخاذ تصمیم می‌نمایند.

بهره مندی متهم از همراه داشتن وکیل در مرحله محاکمه، اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا علاوه بر دلایلی که برای مرحله تحقیقات مقدماتی بیان شد، دادگاه در این مرحله، تصمیم نهایی را اتخاذ می‌کند و اگر دفاع کاملی انجام نشود ممکن است متهم بی‌گناه، مجازات و تنبیه گردد. این امر زمانی جدی‌تر می‌شود که متهم در مرحله ی تحقیقات مقدماتی، وکیل نداشته باشد؛ زیرا با اطلاع وکیل از محتویات پرونده و ادله، جریان تحقیقات نیز روشن می‌شود. همچنین دخالت وکیل در محاکمه، مربوط به جرایم جنایی، اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا متهم، اضطراب بیشتری دارد و به تنهایی نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته است از خودش دفاع کند.

در مورد امکان حضور وکیل در مرحله محاکمه، تردیدی وجود نداشته؛ زیرا قوانین تمامی کشورها، این حق را به رسمیت شناخته‌اند. حتی اگر دخالت وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی را جایز ندانند، به گونه ای که مواد ۳۴۶ به بعد از قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز مقررات حضور وکیل در محاکمات را بیان کرده است.<sup>۲</sup>

اخذ وکیل برای طفل و نوجوان نیز همانند بزرگسالان در برخی جرایم مهم، ضروری است. با این تفاوت که طفل و نوجوان، به‌خاطر عدم رشد کامل و تجربه کمتر، به وکیل نیاز بیش‌تری دارند (سلیمی و بخشی‌زاده اهری، ۱۳۹۳: ۲۸۳)؛ در انتهای ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، عنوان شده «نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند»؛ در ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مقصود از عبارت «نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند» فقط در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ است (رحیمی و رحیمی دهنسوری، ۱۳۹۶: ۴۰۸)؛ افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال از نظر مقنن نوجوان محسوب می‌شوند. مفهوم مخالف ماده، این مفهوم را می‌رساند که طفل نمی‌تواند از خود دفاع کند.

۱. در ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «از «قرار جلب به دادرسی»، به‌عنوان جایگزین قرار مجرمیت در قانون آیین دادرسی کیفری سابق یاد شده است».

۲. ماده ۳۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنها برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است. تبصره. در غیر جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند».

نظریه شماره اداره حقوقی قوه قضائیه به ۷/۹۴/۳۱۳۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۰ مقرر کرده: «نظر به اینکه تعیین وکیل تسخیری، انحصار به مرحله بدوی ندارد و مادامی که عنوان وکالت از وکیل مزبور سلب نگردیده می‌تواند به وظایف وکالتی خود در مراحل بعدی نیز اقدام نماید، بنابراین وکیل تسخیری حق فرجام‌خواهی نسبت به آرای محکومیت حضوری که در مرحله بدوی صادر شده است را دارد و آرای وحدت رویه ۳۲۲ و ۵۹۸ هیأت عمومی دیوان عدالت کشور نیز موید این نظر می‌باشد» (شهبازی و باوی، ۱۳۹۸: ۴۰)؛ به عبارت دیگر در رسیدگی به جرایم افراد زیر هجده سال تمام، ماده ۴۱۵ بیانگر توسعه قلمرو جرائمی است که حضور وکیل در رسیدگی به آنها لازم است و در صورت عدم تعیین توسط متهم، وکیل تسخیری توسط مرجع قضایی انتخاب خواهد شد. لزوم دخالت وکیل بر طبق این ماده، هم ناظر به مرحله دادسرا و هم ناظر به مرحله دادرسی در دادگاه است (خالقی، ۱۳۹۴: ۳۸۶). با این وصف نگارندگان در این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال اصلی هستند که نقش وکیل در مرحله محاکمه در نظام حقوق کیفری ایران به چه صورت است؟

### ۱. اصول حاکم بر حق بهره‌مندی از وکیل در مرحله محاکمه

با نگاهی به اسناد بین‌المللی مختلف، به‌ویژه، سند اختصاصی راجع به این موضوع، یعنی سند سازمان ملل، تحت عنوان «اصول اساسی نقش وکلا» مصوب هشتمین کنفرانس ملل متحد برای پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان (هاوانا، ۱۹۹۰). اصول ذیل به‌عنوان اصول حاکم بر حق استفاده از وکیل مدافع، در دعاوی مطرح‌شده نزد محاکم، به‌دست می‌آید.

#### ۱-۱. انتخابی بودن وکیل

وکیل مدافع باید با انتخاب متهم باشد (اصل اول و پنجم سند فوق). در یک محاکمه نظامی که دادگاه متهم را وادار کرده بود تا از میان دو نفر تعیین‌شده از سوی دادگاه برای وکالت، یکی را برگزیند، کمیته حقوق بشر، نظر داد که در این قضیه حق متهم مبنی بر انتخاب کردن وکیل نقض شده است.

همچنین در قضیه دیگر که به متهم فهرستی از وکلای نظامی داده شده بود که از میان آنها یکی را به‌عنوان وکیل انتخاب کند (درحالی‌که یک وکیل غیرنظامی علاقه‌مند به دفاع از متهم وجود داشت) از سوی کمیته حقوق بشر تخلف محسوب شد.

همچنین کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر، در قضیه‌ای در کشور پرو که بر اساس یک فرمان قانونی در جرایم تروریستی به وکیل مدافع، حق داده شده بود فقط از یکی از متهمان، آن‌هم فقط برای یک‌بار نمایندگی کند، آن را نقض حق انتخاب وکیل دانست. دیوان اروپایی حقوق بشر اعلام نمود که محاکم داخلی، در تعیین وکیل مدافع حتماً باید بر طبق انتخاب متهم عمل کنند.

هرچند، در برخی موارد می‌توانند به نظر آنها عمل نکنند، هرگاه تشخیص دهند که در راستای منافع اجرای عدالت، دلایل کافی برای ضرورت این امر، وجود دارد (حیدر علامه، ۱۳۸۹: ۳۲۳).

### ۱-۲. رایگان بودن وکالت

در صورت ناتوانی متهم بر پرداخت هزینه وکیل مدافع (اصل ششم سند یادشده)، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای برای برخورداری متهم از وکالت رایگان دو شرط قائل شده است:

الف) منافع عدالت، آن را ایجاب کند. اینکه منافع عدالت، دولت‌ها را ملزم به در دسترس قرار دادن وکیل رایگان برای متهم بنماید، بستگی به شدت جرم و مجازات آن دارد به این معنا که هرگاه جرم و مجازات یک قضیه جزایی، به اندازه‌ای شدید باشد که بر متهم تبعات سنگینی تحمیل گردد، مانند مجازات اعدام یا حبس‌های درازمدت، در این صورت، محاکمه عادلانه اقتضاء می‌کند که حتماً وکیل در دعوا حضور داشته باشد تا از متهم دفاع کند.

ب) متهم قادر به پرداخت مصارف وکیل نباشد<sup>۲</sup>. یعنی اینکه برخی از متهمین ممکن است توان و تمکن مالی به پرداخت حق‌الوکاله را نداشته باشند، لذا ضرورت امر اقتضاء دارد که وکیل تسخیری برای چنین متهمانی در نظر گرفته شود.

### ۱-۳. ماهر و باتجربه بودن وکیل<sup>۳</sup>

بدیهی است که اگر وکیل مدافع، صفت فوق را نداشته باشد نمی‌تواند دفاع مناسب و مؤثری از متهم بنماید. نهادهای نظارتی بین‌المللی و منطقه‌ای نیز بر وجود صفات فوق برای وکیل، تأکید کرده‌اند. در این راستا کمیته حقوق بشر، کشورها را اکیداً به انجام اقداماتی جهت حصول اطمینان از اینکه مشاور حقوقی تعیین‌شده، نماینده مؤثری برای متهم باشد، ملزم می‌کند (قضیه پاول کلی علیه جامائیکا).

به هر حال برای یک کشور، این کافی نیست که وکیل مدافع تسخیری، برای متهمی تهیدست تعیین کند. آن کشور علاوه بر اینکه ملزم است وکیلی باتجربه تعیین کند، متعهد است بررسی

۱. دیوان اروپایی حقوق بشر بر آن است که مصلحت اجرای عدالت ایجاب می‌کند که شخص حداقل در یک مرحله از دادرسی از خدمات رایگان وکیل یا مشاور استفاده نماید. همچنین از نظر دیوان مزبور، رایگان بودن استفاده از خدمات وکیل، دولت را مجاز نمی‌گرداند نسبت به انتصاب و تعیین نماینده قانونی دولتی برای شخص اقدام نماید. دولتی بودن نماینده، اساس خدمات مشاوره یا نمایندگی حقوق را مخدوش می‌نماید. این رویه بدون پشتوانه نیست چراکه دولت در دادرسی کیفری، خود یکی از اطراف دعوا می‌باشد و تعیین وکیل یا مشاور یک‌طرف دعوا توسط طرف دیگر، با اساس دادرسی منصفانه نامنتطبق است؛ زیرا استقلال وکیل از دولت زیر سؤال است (محمدی کنگ سفلی، ۱۳۹۴: ۱۷۹).

۲. قسمت (د) بند ۳ ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی قسمت (ج) بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی.

۳. اصل ششم و نهم سند سازمان ملل تحت عنوان «اصول اساسی نقش وکلا» ذکر شده است.

نماید که آیا این وکیل وظایف خود را به بهترین وجه انجام داده است یا خیر، در صورت لزوم، مقامات باید بر مشاور حقوقی نظارت و عنداللزوم او را تعویض کنند یا وی را وادار به انجام وظایف خویش، به نحو احسن کنند.

در قضیه‌ای مطروحه نزد دیوان اروپایی حقوق بشر، دادگاه کشوری خاص، علی‌رغم شکایات متهم مبنی بر عدم انجام وظایف توسط وکیل تسخیری، از تعویض او خودداری کرده بود. دیوان اروپایی اعلام کرد که کشور مزبور با قصور در تعویض وکیل تسخیری، متقاضی را از حق داشتن وکیل محروم کرده است (نیاورانی، ۱۳۸۳: ۵۲).

#### ۱-۴. فوری بودن برخورداری از وکیل<sup>۱</sup>

در این اصل آمده است که: دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که کلیه افراد دستگیر و بازداشت‌شده، فوراً به وکیل دسترسی داشته باشند. در هر صورت طول مدت نباید بیش از ۴۸ ساعت پس از دستگیری و بازداشت باشد.

کمیته حقوق بشر نیز بر فوری بودن این حق تأکید کرده است. از عبارت فوق آشکار می‌گردد که حق برخورداری از وکیل، اختصاصی به جلسه محاکمه ندارد، بلکه از لحظات آغازین دستگیری شروع می‌شود.

در قضیه ترگریدین علیه فدراتیو روسیه، متهم ادعا کرد که تا ۵ روز پس از دستگیری به وکیل دسترسی نداشته است، در حالی که وی در آن مدت، مکرراً مشاوره وکیل را درخواست کرده، به گونه‌ای که کمیته حقوق بشر، این محرومیت را نقض قسمت (ب) بند ۳ ماده ۱۶ میثاق دانست. محکمه اروپایی حقوق بشر اظهار نظر کرده است که: ماده ۶ کنوانسیون اروپایی اقتضاء دارد که متهم از معاضدت وکیل مدافع از همان مرحله نخستین تحقیقات پلیس بهره‌مند شود (آشوری و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۵۵).

#### ۱-۵. مصونیت وکلا در برابر هر نوع ترس و تهدید<sup>۲</sup>

در این بند مقرر شده است: دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که وکلا قادر به ایفای وظایف خویش، بدون هرگونه تهدید، ارعاب، ممانعت و دخالت نادرست هستند یعنی اینکه دولت‌ها ملزم هستند که مصونیت وکلا را در برابر هر نوع ترس و تهدید فراهم نمایند.

در قضیه ترگریدین علیه فدراتیو روسیه که در گذشته از آن یاد شد، شاکی مدعی شد که به دلیل ناتوانی محکمه در کنترل فضای خصمانه و فشار ایجادشده از سوی عموم مردم در محکمه،

۱. اصل هفتم سند سازمان ملل تحت عنوان «اصول اساسی نقش وکلا» ذکر شده است.

۲. بند الف اصل شانزدهم سند سازمان ملل تحت عنوان «اصول اساسی نقش وکلا» ذکر شده است.

پرسش‌گری متقابل و مناسب از شهود و ارائه دفاع از متهم برای وکیل مدافع، ناممکن شده بوده است. کمیته حقوق بشر این مورد را هم تخلف از بند ۳ ماده ۱۴ دانست.

کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر، از جمله موارد نقض حقوق بنیادین بشر را هنگامی می‌داند که وکلایی که مسئولیت دفاع از متهمان سیاسی را به عهده می‌گیرند، مورد تهدید و ارباب واقع شوند و یا جواز وکالت آنان ضبط یا لغو گردد. در موارد بدرفتاری و اهانت به وکلا، بازداشت شدن، ناپدید شدن یا کشته شدن آنان، همین قضیه به طریق اولی صادق خواهد بود (امیدی، ۱۳۹۷: ۲۱).

### ۱-۶. مصونیت از تعقیب مدنی و جزایی<sup>۱</sup>

اصلی چون مصونیت وکلا از تعقیب‌های مدنی و جزایی، در قبال اعمال حرفه‌ای خویش مقرر می‌دارد که: وکلا در برابر اظهاراتی که با حسن نیت، به طور کتبی یا شفاهی، جهت محاکمه یا در خلال حضور حرفه‌ای خود در محکمه و یا در مقابل مقامات اداری ابراز می‌نمایند از مصونیت مدنی و جزایی برخوردار خواهند بود.

در اکثر مشاغل، علی‌الخصوص مشاغل حساسی مثل وکالت، قضاوت، پزشکی و... نظامنامه‌هایی برای این حرفه به‌عنوان مرامنامه‌های وظایف حرفه‌ای تدوین می‌گردد. این نظامنامه‌ها در بعضی مواقع دارای ضمانت اجرایی است، ولی در اکثر مواقع فقط به صورت یک مرامنامه می‌باشد که دارای ضمانت اجرای قانونی نبوده و شاغلین به این حرفه تنها از نظر اخلاقی، خود را ملزم به آن می‌دانند. به همین منظور، خصائل و فضایل اخلاقی، به تدریج وارد قانون گشته تا آنجا که امروزه بیشتر وظایف اخلاقی به‌مانند صداقت و درستکاری، پاک‌دامنی، وفاداری و امانت داری، رازداری و... علاوه بر چهره اخلاقی، چهره قراردادی و قانونی نیز به خود گرفته‌اند. همان‌طور که اشاره شد وکیل، با قبول حرفه وکالت در قبال موکل، دادگاه و مراجع قضایی، جامعه و آحاد مردم و همکاران خود، مسئولیت قراردادی، قانونی و اخلاقی دارد (شیرپور، ۱۳۹۹: ۱۳۹).

### ۱-۷. برچسب نخوردن وکیل<sup>۲</sup>

منظور از اصطلاح برچسب نخوردن وکیل، آن است که نباید وکیل را به این دلیل که از یک متهم دفاع می‌کند، طرفدار وی دانست و اتهام وی را به وکیل هم نسبت داد.

سند اصول اساسی نقش وکلا درباره این اصل مقرر می‌دارد: وکلا نباید به لحاظ انجام وظایفشان، با موکل یا موکلان هم‌سو دانسته شوند. کمیسیون بین‌آمریکایی، معتقد است که نسبت

۱. اصل بیستم سازمان ملل تحت عنوان «اصول اساسی نقش وکلا» ذکر شده است.  
۲. اصل هجدهم سند سازمان ملل تحت عنوان «اصول اساسی نقش وکلا» ذکر شده است.

دادن اعمال غیرقانونی موکل متهم، به یک وکیل مدافع، خطر و تهدید در تطبیق آزادانه مسلک حقوقی و تخطی از تضمینات اساسی اداره عدلی و جریان مربوط آن، یعنی حق دفاع است.

گزارشگر خاص ملل متحد در امور مربوط به استقلال قضات و وکلا ابراز نگرانی کرد که در ایرلند شمالی، پلیس و کلایی را که دفاع از افراد متهم به تروریسم را به عهده گرفته بودند، با آنان هم سو دانسته و از این رو در روابط بین وکیل و موکل، در هنگام تحقیقات، مداخله نموده و در صداقت و اعمال حرفه‌ای وکلا تردید نشان داده بودند. گزارشگر خاص نتیجه گرفت که تعذیب و ارباب وکلا توسط افسران پلیس، مداوم و سازمان یافته بوده است.

وی افزود که قتل یک وکیل مدافع که دفاع از متهمان جرایم تروریستی را به عهده داشت و در زمان تحقیقات راجع به موکلینش، از طرف مقامات امنیتی تهدید شده بود، اثر خوفناکی بر مسلک وکالت گذاشته و اعتماد مردم را به نظام حقوقی، بیشتر خدشه دار ساخته است.

## ۱-۸. محرمانه بودن ارتباط وکلا با موکلین خویش<sup>۱</sup>

این حق، محرمانه بودن هر نوع ارتباط بین وکیل و موکل، شامل گفتگو، مکاتبه و مکالمات تلفنی را در برمی گیرد، بنابراین هر نوع ارتباط بین آن دو باید بدون هیچ نوع مداخله، جلوگیری یا سانسور صورت گیرد.

مصاحبه‌های میان فرد بازداشت شده یا زندانی و وکیل قانونی وی می‌تواند در معرض ضابطین قانون باشد، اما نباید در محدوده ششونده مأموران یادشده باشد. تماس‌های میان فرد بازداشت شده یا زندانی و وکیل قانونی وی، نباید به عنوان مدرکی علیه متهم به کار رود، مگر آنکه با استمرار یا طرح ریزی جنایتی، مرتبط باشد.

بازداشتگاه‌ها باید اتاق‌های ویژه‌ای را جدا از اتاق‌های ملاقات عمومی، در اختیار مشاوران و افراد بازداشت شده قرار دهند. در این اتاق باید امکان ارتباط محرمانه و رودررو وجود داشته باشد و وسایل مناسب برای بازدید (میز و صندلی) نیز فراهم باشد (حیدر علامه، ۱۳۸۹: ۳۲۸). کمیته حقوق بشر نیز در تفسیر کلی شماره ۱۳ خود بر میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بر محرمانه بودن ارتباط متهم و وکیل مدافع تأکید کرده است.

## ۲. حق برخورداری از وکیل در دادگاه‌های کیفری

اصل حق برخورداری از وکیل، در دادگاه‌های کیفری و در مقررات موضوعه اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان، به عنوان یکی از اساسی‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهم پذیرفته شده است به گونه‌ای که یکی از اجزای ذاتی محاکمه عادلانه عبارت از برخورداری از حق داشتن وکیل است

۱. اصل هشتم و بیست و دوم سند سازمان ملل تحت عنوان «اصول اساسی نقش وکلا» ذکر شده است.

به گونه‌ای که در برخی از جوامع، محاکمه فرد، بدون شرکت و کیل، امکان پذیر نمی‌باشد؛ چراکه این اعتقاد وجود دارد، زمانی که فردی به عنوان متهم نزد مراجع قضایی (دادگاه)، حاضر می‌شود چون که از حالت روحی غیرعادی و نگرانی برخوردار بوده و قادر به درک جایگاه خود نمی‌باشد به همین دلیل نیز ضرورت حضور و کیل بیش از پیش، آشکار بوده، به گونه‌ای که حق برخورداری از وکیل در برخی از دادگاه‌های کیفری ایران را ذیلاً مورد مطالعه و بررسی قرار خواهیم داد.

## ۲-۱. حق برخورداری از وکیل در دادگاه‌های کیفری یک و دو

حضور وکیل در تمامی دعاوی کیفری، امکان دارد و هیچ استثنایی وجود ندارد، مگر در تحقیقات مقدماتی برخی جرایم خاص که باید قرار عدم دسترسی به اطلاعات صادر شود، اگر متهم چند وکیل داشته باشد حضور تمامی آنها در دادرسی لازم نیست و حضور یک وکیل، کفایت می‌کند، اما اگر موکل، حضور تمامی وکلا را شرط کرده باشد ابهام وجود دارد؛ اطلاق ماده ۳۴۶ ق.آ.د.ک شامل این مورد نیز می‌شود، اما از آنجا که حق دخالت وکیل، به صورت نمایندگی است و نمایندگی هم به صورت مشروط می‌باشد به نظر می‌رسد وکالت موکل، مقدم بر حکم قانون است. ممکن است با استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی گفته شود که قراردادهای خصوصی تا جایی اعتبار دارد که خلاف قانون نباشد و شرط موکل در اینجا مخالف با قانون است، اما از آنجا که ماده ۱۰ اصل آزادی اراده را بیان می‌کند و تقدم این قانون موجب نقض این اصل می‌باشد بهتر است گفته شود حضور تمامی وکلا لازم نیست.

عدم حضور وکیل بدون عذر موجه، مستوجب تعقیب انتظامی است، اما مانع ادامه محاکمه و دادرسی نیست. اصل بر آن است که متهم در تحقیقات مقدماتی، شخصاً حضور یابد همچنان که در مرحله محاکمه، اصل بر عدم لزوم حضور متهمی است که وکیل دارد و حضور وکیل وی، کفایت می‌کند. وکیل متهم در تحقیقات مقدماتی حق اطلاع از محتویات پرونده و اخذ فتوایی از اوراق آن را ندارد، اما در مرحله محاکمه چنین حقی دارد. وکیل حق اخلال در نظم دادگاه را ندارد و اگر تذکر به وی اثر نداشت از جلسه دادگاه اخراج می‌گردد و به دادرسی انتظامی قانون وکلا معرفی می‌شود. در مقررات سابق، دادگاه حق بازداشت وکیل را داشت. اگر حضور وکیل در جلسه دادگاه لازم باشد و از دادگاه اخراج شود موجب تضییع حق متهم می‌گردد و مناسب بود قانون گذار چاره‌ای برای این حالت بیندیشد. به نظر می‌رسد باید رسیدگی ادامه یابد تا امکان حضور وکیل یا متهم در دادگاه فراهم گردد. اگر وکیل موجب اخلال در تحقیقات مقدماتی شود حکمی در قانون ندارد و بازپرس باید با تدبیر خود این مشکل را برطرف سازد.



در خصوص جرایم غیرجنایی، طرفین دعوا می‌توانند وکیل معرفی کنند، اما امکان محاکمه و دادرسی بدون حضور وکیل نیز وجود دارد و طرفین دعوا می‌توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند، اما دادگاه با حضور یک وکیل نیز قابل تشکیل است. از ظاهر قانون برمی‌آید که تعیین وکیل معاضدتی، برای متهمی که تمکن مالی ندارد منوط به درخواست متهم است (ماده ۳۴۷ ق.آ.د. ک)، اما تعیین وکیل برای بزه‌دیده فاقد تمکن مالی، به تشخیص دادگاه است و نیازی به درخواست بزه‌دیده نیست (تبصره ماده ۳۴۷) این ظاهر، منطقی نیست به‌ویژه اینکه ممکن است شاکی از پذیرش وکیل، خودداری کند یا متهم به‌خاطر جهل به قانون، چنین درخواستی ننماید. به هر حال این مقررات، اختصاص به دادگاه دارد و در مرحله تحقیقات مقدماتی اجرا نمی‌شود. حضور متهمی که وکیل دارد در جلسه دادگاه لازم نیست، مگر اینکه دادگاه، حضور متهم را لازم بداند. ظاهراً امکان تعیین وکیل تسخیری برای متهم در دادگاه کیفری دو، وجود ندارد بلکه اگر نیاز به تعیین وکیل باشد، وکیل معاضدتی تعیین می‌شود (سلیمانیان و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۷).

اما در خصوص دادگاه کیفری یک، باید گفت این دادگاه، بدون حضور وکیل متهم در جرایم موضوع بندهای (الف، ب، پ و ت) ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک. تشکیل نمی‌شود، اما در جرایم دیگر ممکن است وکیل حضور نداشته باشد. اگر وکیل تسخیری بدون عذر موجه حاضر نشود، وکیل دیگری تعیین می‌شود. متهم می‌تواند شخصاً وکیل معرفی کند که در این صورت، وکالت تسخیری از بین می‌رود و نیز یک مرتبه می‌تواند درخواست تغییر وکیل تسخیری را بنماید. جهات رد دادرسی میان وکیل تسخیری و شاکی، مانع دخالت وکیل تسخیری می‌شود، اما اگر این جهات میان وکیل تسخیری و متهم وجود داشته باشد ایرادی ندارد. ممکن است وکیل تسخیری با دادستان یا دادیار، قرابت داشته باشد و در این حالت گرچه عبارت «طرف مقابل» در ماده ۳۴۹ ق.آ.د.ک شامل دادستان و معاون وی نیز می‌شود چون طرف دعواست، اما به نظر می‌آید منظور از طرف مقابل در اینجا، همان شاکی یا مدعی خصوصی است. طرفین دعوا در دادگاه کیفری یک، حداکثر می‌توانند سه وکیل معرفی کنند.

حضور متهم در جرایم موضوع بندهای (الف، ب، پ و ت) ماده ۳۰۲ این قانون، در جلسه دادگاه الزامی است. همچنین در سایر جرایم، اگر دادگاه لازم بداند متهم باید حاضر شود. ظاهراً امکان تعیین وکیل معاضدتی در دادگاه کیفری یک وجود ندارد بلکه دادگاه درخواست وکیل تسخیری می‌نماید، اما بهتر است در این زمینه تفصیل داده شود؛ اگر جرم موضوع دادرسی، جرایم مذکور در بندهای (الف، ب، پ و ت) ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک. باشد وکیل تسخیری تعیین می‌شود، اما در سایر جرایم، می‌توان وکیل معاضدتی تعیین کرد. اشکالی که در این زمینه مطرح می‌شود است که اولاً ماده ۳۸۴ ق.آ.د.ک. به‌صورت مطلق حکم به لزوم تعیین وکیل نموده است. ثانیاً ماده ۳۴۷ که مقررات وکیل معاضدتی را بیان می‌کند در قسمت مربوط به دادگاه کیفری دو

آمده است. در پاسخ می توان گفت که ماده ۳۸۴ نیز که حکم و کیل تسخیری را بیان می کند در قسمت مربوط به دادگاه کیفری یک می باشد و مضاف بر اینکه ماده ۳۴۸ فقط دو دسته از جرایم را بیان کرده است که وکیل تسخیری دخالت می کند، پس در مورد سایر جرایم باید به مقررات عمومی عمل نمود (سلیمانیان و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۷).

## ۲-۲. حق برخورداری از وکیل، در دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان

حق دفاع متهم، در تمام دادگاه ها یکی از آثار مهم اصل برائت و از بدیهی ترین حقوق وی در نظام های کیفری ملی و اسناد بین المللی است. از مهم ترین ابزار تضمین حق دفاع متهم استفاده از مساعدت وکیل مدافع در طول دادرسی می باشد. اهمیت حضور وکیل با توجه به آشنایی و تسلط وی بر قوانین و مقررات و تلاش برای حفظ حقوق متهم، غیر قابل انکار است.

حضور وکیل محاکم، موجب برقراری توازن و تحقق اصل تساوی سلاح ها در روند دادرسی کیفری است؛ زیرا حضور قضات مجرب تعقیب، شاکی خصوصی، وکیل یا وکلای او و ضابطان دادگستری در سازمان دادسرا که به انگیزه حمایت از حقوق جامعه و زیان دیده از جرم در امر جمع آوری دلایل به ضرر متهم اشتغال دارند. مستلزم وجود حقوق دانانی فعال در کنار متهم به منظور دفاع از حقوق قانونی وی است. حضور وکیل مدافع موجب جلوگیری از نابسامانی در امر تحقیق به ضروری و قوت قلب اوست (ون بورن، ۱۳۷۸: ۲۷۴).

در قسمت ب ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک به بیان تضمینات و تأمین های مختلف در فرآیند کیفری در خصوص اطفال اشاره شده است. از جمله ی این بندها، بند دو<sup>۱</sup> و سه<sup>۲</sup> ذیل قسمت «ب» ماده ۴۰ کنوانسیون است. کمیته حقوق کودک نیز این حق را مورد تأکید قرار داده و تصریح می کند وکیل نوجوان معارض با قانون باید اطلاعات و آگاهی کافی از روند دادرسی نوجوانان داشته باشد و آموزش لازم برای مواجهه و برخورد با کودکان را دیده باشد. کمیته تأکید می کند که در طی مراحل دادرسی باید مشاوره حقوقی و سایر کمک ها وجود داشته باشد و حضور، مشارکت وکیل نباید محدود به مرحله دادرسی دادگاه باشد، بلکه در همه مراحل رسیدگی، از شروع بازرسی و دستگیری کودک توسط پلیس تا انتهای دادرسی این معاضدت باید وجود داشته باشد (ابراهیمی و کیانی، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

۱. «(۲) اطلاع مستقیم و سریع از اتهامات وارده برعلیه وی، در صورت لزوم از طریق والدین و یا قیم و حق داشتن مشاوره حقوقی و یا سایر کمک ها در تهیه و ارائه لایحه دفاعیه».

۲. «(۳) روشن شدن موضوع در اسرع وقت توسط مقام یا ارگان قضایی بی طرف و مستقل و طی دادرسی عادلانه در حضور وکیل و یا سایر کمک های حقوقی، مگر اینکه این امر در جهت منافع کودک تشخیص داده نشود، خصوصاً با در نظر گرفتن سن، موقعیت و یا والدین و یا قیم قانونی کودک».



پرسش اساسی در این موضوع این است که با توجه به ضرورت و نیاز به حضور و مشارکت وکیل دادگستری در فرآیند کیفری به دلیل آسیب‌پذیر بودن طفل و نیز با لحاظ این موضوع که بسیاری از خانواده‌ها و اطفال به لحاظ مالی نتوانند از چنین حقی بهره ببرند، باید چه سیاستی را در این زمینه پیش برد؟

به نظر می‌رسد سیاست معقول و متناسب با وضعیت اطفال الزام به حضور وکیل برای بزهکاران و بزه‌دیدگان اطفال باشد، اگر اطفال و خانواده‌های آنان وکیل مشخصی را انتخاب کردن، از همان وکیل و گرنه دولت باید تدابیری را اتخاذ کند تا بتواند با انتخاب وکلای مناسب زمینه‌ی حمایت از اطفال در فرآیند کیفری را فراهم کند.

و همچنین مراتب فوق الذکر در حالی رقم می‌خورد که ماده ۴۱۵ از ق.آ.د.ک بیان می‌دارد: در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است و در جرایم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفع کند.

### ۳-۲. حق برخورداری از وکیل در دادگاه ویژه روحانیت

جایگاه والای روحانیت یک صنف یا شغل نیست که نیازمند اتحادیه صنفی باشد بلکه یک وظیفه است که برحسب ضرورت عقلی و شرعی بر دوش افراد داوطلب و علاقه‌مند نهاده شده و از این جهت جامعه اسلامی، مرهون افرادی است که به نیابت از سایر اعضای جامعه این وظیفه مهم را بر دوش می‌کشند. نباید این گونه پنداشت که قرار گرفتن بخشی از اعضای جامعه در این سمت، هرگز به معنی رفع مسئولیت از سایرین در مسیر حفظ و ترویج دین نخواهد بود و قرار گرفته در این مقام تنها به منزله تمرکز و ورود تخصصی در این عرصه خطیر تلقی می‌شود. بر این اساس باید گفت: سازمان روحانیت بر فرض وجود خارجی، سازمانی است که بدون سلب استقلال فکری و عملی از روحانیان، سعی دارد زمینه‌ای را ایجاد کند که ایشان قادر باشند مأموریت خود را به نحو سازمان‌یافته و به‌دوراز هرگونه تفرقه و ناهماهنگی در تحقق رسالت و اهداف یادشده انجام دهند؛ تشخیص شخص روحانی، فارغ از تعاریف قانونی است و روحانی به شخصی گفته می‌شود که در سازمان روحانیت یعنی یکی از حوزه‌های علمی به طلبگی مشغول می‌باشد و یا بوده است. در همین راستا دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت یکی دیگر از نهادهایی است که پس از پیروزی انقلاب

اسلامی به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شد. نطفه تشکیل نهاد قضایی ویژه روحانیون را باید پیام امام خمینی (ره) در مورخه سوم خرداد ۱۳۵۸ دانست (مبادری، گلخندان و رجیبه، ۱۳۹۹: ۱۳۹).

مقنن در مورد برخی مرتکبین نظیر متهم روحانی یا نظامی شیوه انتخاب و کیل را با محدودیت‌هایی برای متهم یا شاکی یا هر دو همراه کرده است؛ از طرفی، مطابق ماده واحده قانون انتخاب و کیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ م.ت.م.ن. «اصحاب دعوا در دادگاه ویژه روحانیت نیز حق انتخاب و کیل دارند به این ترتیب که دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را به‌عنوان وکیل مشخص می‌کند تا از میان آنها به انتخاب متهم، وکیل تعیین شود»، لذا بنا به شرحی که بیان گردید چنین وکیلی الزاماً و کیل رسمی دادگستری نخواهد بود.

## ۲-۴. حق برخورداری از وکیل در دادگاه نظامی

قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۸ به‌عنوان بخش هشتم قانون آیین دادرسی کیفری به این قانون الحاق گردید. مقررات وکالت در دادرسی و دادگاه‌های نظامی مانند وکالت در دادرسی و دادگاه عمومی است و تنها دو ماده احکام خاصی را بیان کرده است: ماده ۶۲۵ ق.آ.د.ک: «در جرایم علیه امنیت کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری است و رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است طرفین دعوا، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشد، انتخاب می‌نمایند. تبصره، تعیین وکیل در دادگاه نظامی زمان جنگ، تابع مقررات مذکور در این ماده است».

ماده ۶۲۶ ق.آ.د.ک: «وکلائی دارای تابعیت خارجی نمی‌توانند برای دفاع در دادگاه نظامی، حاضر شوند مگر اینکه در تعهدات بین‌المللی به این موضوع تصریح شده باشد؛ احکام افتراقی وکالت در دادرسی و دادگاه نظامی، اختصاص به جرایم علیه امنیت کشور و اسناد سری و کاملاً سری دارد و در این موارد باید وکلای مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح، انتخاب شوند. این وکلا لازم نیست نظامی باشند، بلکه وکلای عادی را نیز می‌توان انتخاب کرد. همچنین وکلای دارای تابعیت خارجی در هیچ دعوایی حق وکالت ندارند؛ زیرا ممکن است از اطلاعات مربوط به امنیت کشور آگاهی پیدا کنند. از ظاهر ماده ۶۲۶ چنین استنباط می‌شود که وکالت وکلای دارای تابعیت خارجی در دادگاه‌های عمومی، جایز است و مقررات عمومی نیز ممنوعیتی را برقرار نکرده‌اند.

ممکن است رسیدگی به جرایم نظامی در صلاحیت دادگاه غیرنظامی باشد مانند اینکه روحانی، نظامی بوده باشد. حال سؤالی که مطرح می‌گردد آن است که آیا مقررات افتراقی فوق

در دادسراها و دادگاه‌های غیرنظامی نیز اعمال می‌گردد؟ عبارت «رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است» در ماده ۶۲۵ و عبارت «دفاع در دادگاه نظامی» در ماده ۶۲۶ خلاف آن را نشان می‌دهد، اما فلسفه چنین ممنوعیتی اقتضا دارد، در دادگاه‌های غیرنظامی نیز اعمال گردد. تعارض میان تفسیر لفظی قانون با تفسیر منطقی آن، اقتضای تقدم تفسیر منطقی را دارد مشروط بر اینکه اراده‌ی قانون‌گذار روشن باشد.

### ۳. محدودیت برخورداری از وکیل در برخی از جرایم

اگرچه برخورداری از وکیل برای متهم، به‌خصوص در مرحله‌ی محاکمه در بسیاری از کشورها و همچنین براساس قانون اساسی و قانون آئین دادرسی کیفری به‌عنوان یک حق مسلم مورد پذیرش واقع شده است، ولی با این حیث مشاهده می‌گردد که در پاره‌ای موارد و بنا به جهاتی، از این حق، قدری عدول و یا اینکه این حق، قدری مخدوش شده است.

### ۳-۱. محدودیت برخورداری از وکیل در جرایم منافی عفت

به‌موجب تبصره ۲ ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک بازپرس در این جرایم، قرار عدم دسترسی به اسناد و مدارک پرونده را صادر می‌کند. این قرار فقط در تحقیقات مقدماتی قابل اصدار و اجراست چون در جرایم منافی عفت که از نوع جنایت باشد حضور وکیل، در دادگاه الزامی است. ممکن است گفته شود فلسفه ممنوعیت دخالت وکیل در دادرسی جرایم منافی عفت، جلوگیری از شیوع فحشاست و چنین فلسفه‌ای در مرحله محاکمه نیز وجود دارد، اما به هر حال چنین حکمی از ظاهر قانون استنباط نمی‌شود.

### ۳-۲. محدودیت برخورداری از وکیل، در جرایم علیه امنیت کشور و جرایم منافی

#### کشف حقیقت

ماده ۱۹۱ ق.آ.د.ک در این موارد نیز قرار عدم دسترسی به اسناد و مدارک را پیش‌بینی کرده است. صدور قرار، در جرایم علیه امنیت کشور الزامی بوده و در جرایم منافی کشف حقیقت، بازپرس اختیار دارد که چنین قراری را صادر نماید. با عنایت به اینکه چنین قراری جنبه استثنایی دارد پس باید مستدل و موجه باشد یعنی علت منافات حضور وکیل با کشف حقیقت در قرار بیاید به‌ویژه که این قرار قابل اعتراض و ارزیابی در دادگاه است. این محدودیت مربوط به تحقیقات مقدماتی است و ظاهراً امکان صدور چنین قراری در مرحله محاکمه وجود ندارد.

### ۳-۳. محدودیت برخورداری از کیل در سایر جرایم

به موجب مواد ۴۸، ۱۹۰، ۳۴۶ و ۳۴۸ ق.آ.د. ک متهم حق دارد و کیل صلاحیت داری را برای دفاع از خودش انتخاب کند. تنها محدودیتی که برای وکیل انتخابی وجود دارد، مقررات مربوط به حرفه‌ی وکالت است مثلاً کارآموزان و کالت، حق دخالت در برخی از پرونده‌ها را ندارند و گرنه متهم می‌تواند هر وکیلی را که بخواهد انتخاب کند؛ زیرا وکالت یک عقد شرعی و قانونی است که تابع قواعد عمومی قراردادها و مقررات اختصاصی می‌باشد. همچنین وکیلی که برای شخص تحت نظارت، انتخاب می‌شود، در برخی جرایم باید مورد تأیید رئیس قوه قضاییه باشد (میرزایی، ۱۳۹۵: ۸۲).

### ۴. وکالت تسخیری در مرحله محاکمه در نظام حقوقی ایران

وکالت تسخیری وکالتی است که از طرف مراجع کیفری، برای اصحاب دعوی جزایی به‌ویژه متهمین، تأمین می‌شود و فلسفه الزامی بودن حضور وکیل در جرایم سنگین، علاوه بر تضمین اجرای اصل ۳۵ و ۳۷ از قانون اساسی و تمهید امکانات برای برخورداری از این حق، اعتبار بخشیدن به دادرسی عادلانه می‌باشد. این نوع وکالت، سرمایه‌گذاری جامعه برای تحقق آرمان‌های آزادی و عدالت است. لذا صرفاً نباید در حد یک فعالیت خیرخواهانه یا نوعی صدقه تنزل داده شود و نباید گمان شود که با تأمین وکالت تسخیری به شهروندان فقیر یا کسانی که قادر به تأمین وکالت به انتخاب و هزینه خود نیستند، لطف می‌کنیم، بلکه حقیقت این است که برخورداری از مساعدت وکیل، یکی از حقوق مسلم هر متهم و بلکه تمامی اصحاب دعوی جزایی است؛ بنابراین دولت‌ها و جامعه مدنی در هر کشوری، موظف هستند در هر موردی که اجرای صحیح عدالت ایجاب نماید، امکان برخورداری از خدمات وکلای متخصص را برای افرادی که با دستگاه عدالت کیفری سروکار دارند فراهم آورند.

مراتب فوق همگی در حالی است که در قانون جدید حق متهم برداشتن وکیل تسخیری در ماده ۳۴۸ پیش‌بینی شده است و در ماده ۳۴۷ بر حق داشتن وکیل معاضدتی برای متهم تأکید نموده است. این در حالی است که در قانون سابق فقط در بحث مدنی وکیل معاضدتی داشتیم. حال با تصویب قوانین جدید و رفع نقص قوانین حاکم در امور کیفری نیز این حق برای متهم استیفاء شده است. از سویی بحث وکیل تسخیری و معاضدتی در مواد ۳۸۵ و ۳۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری جدید نیز پیش‌بینی شده است که تعداد وکیل در دادگاه کیفری یک، حداکثر ۳ نفر می‌باشد. حق برگزیدن وکیل تعیینی و حق داشتن وکیل تسخیری و معاضدتی برای متهم بیانگر اهمیت نقش وکیل در تعیین سرنوشت احقاق حقوق متهم در جامعه و اثر غیر قابل انکار آن در دادرسی منصفانه و مبنی بر عدالت می‌باشد که قانون جدید به این مهم تأکید کرده است. موارد تعیین وکیل

تسخیری برای متهم در دادگاه (مواد ۳۴۷ و ۳۴۸) و همچنین موارد تعیین وکیل تسخیری برای شاکی (تبصره ماده ۴۱۵) می‌باشد. مطابق این تبصره حکمی بی سابقه در راستای آموزه‌های بزه‌دیده شناسی حمایتی وضع شده و آن این است که هرگاه دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای شخص بزه‌دیده (شاکی یا مدعی خصوصی) فاقد تمکن مالی ضروری بداند مکلف به تعیین وکیل برای او می‌باشد (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۸۹).

یکی از موارد دیگر وکیل تسخیری، در دادرسی و دادگاه اطفال و نوجوانان (ماده ۴۲۵) می‌باشد. ممکن است متهم، وکلی را برای خودش معرفی نکند و یا توان مالی برای معرفی وکیل نداشته باشد و یا وکلی که معرفی کرده است در دادرسی حضور پیدا نکند. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران باید میان جرایم جنایی و غیرجنایی تفکیک نمود. به موجب تبصره دوم ماده ۲۳۰ این قانون، برای تحقیقات مقدماتی مربوط به جرایم مستوجب سلب حیات یا حبس ابد باید وکیل تسخیری تعیین شود. همچنین ماده ۳۸۴ برای رسیدگی دادگاه کیفری یک، دخالت وکیل را ضروری می‌داند. در این جرایم اگر متهم وکیل انتخاب نکند، بازپرس یا دادرس باید وکیل تعیین کند.

اما در مورد سایر جرایم باید قانون‌گذار را جزء دسته دوم قرار داد؛ زیرا ماده ۳۴۷ ق.آ.د.ک در این خصوص آورده است: «متهم می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکلی برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن متقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیک‌ترین حوزه قضایی، برای متهم وکیل تعیین می‌نماید. در صورتی که وکیل درخواست حق‌الوکاله کند، دادگاه حق‌الوکاله او را متناسب با اقدامات انجام شده تعیین می‌کند که در هر حال میزان حق‌الوکاله نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. حق‌الوکاله از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود. تبصره، هرگاه دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای شخص بزه‌دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند طبق مفاد این ماده اقدام می‌کند».

یادآوری می‌شود هرگاه وکیل تسخیری بدون عذر موجه از حضور در دادرسی امتناع کند، دادگاه مراتب را به مرجع صالح به منظور تعقیب وکیل متخلف اعلام می‌دارد. همچنین هرگاه پس از تعیین وکیل تسخیری، متهم، وکیل تعیینی به دادگاه معرفی کند، وکالت تسخیری منتفی می‌شود. اضافه می‌شود تقاضای تغییر وکیل تسخیری از سوی متهم، فقط برای یک‌بار قابل پذیرش است (جوانمرد، ۱۳۹۴: ۳۸۷).

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود و آن اینکه در جرایمی که حضور وکیل متهم در جلسه دادرسی الزامی است، چنانچه متهم متواری بوده و دستگیر نشده و کیفرخواست نیز به‌طور غیابی صادر شده است، آیا دادگاه می‌تواند رأساً وکیل تسخیری تعیین و رسیدگی نماید؟ و در صورت مثبت بودن

پاسخ، آیا شرکت و کیل تسخیری تعیین شده از سوی دادگاه برای متهم متواری موجب حضوری بودن رأی می‌شود؟

ماده ۳۸۴ ق.آ.د.ک. در خصوص فرضی که متهم حاضر بوده ولی وکیل معرفی نمی‌کند، مقرر داشته «پس از ارجاع پرونده به دادگاه کیفری یک، در جرایم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده «۳۰۲» این قانون و یا پس از صدور قرار رسیدگی در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، هرگاه متهم وکیل معرفی نکرده باشد، مدیر دفتر دادگاه ظرف پنج روز به او اخطار می‌کند که وکیل خود را حداکثر تا ده روز پس از ابلاغ به دادگاه معرفی کند. چنانچه متهم وکیل خود را معرفی نکند، مدیر دفتر، پرونده را نزد رئیس دادگاه ارسال می‌کند تا طبق مقررات برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود» به نظر می‌رسد در صورت متواری بودن متهم نیز بایستی با توجه به حکم این ماده عمل نمود. همچنین، به نظر نگارنده، عبارت «وکیل او» در ماده ۴۰۶ ق.آ.د.ک. ناظر به موردی است که متهم شخصاً وکیل خود را تعیین و معرفی کرده باشد، نه وکیلی که دادگاه به حکم قانون برای او تعیین کرده است. لذا در موارد مقرر قانونی که تعیین وکیل تسخیری، تکلیف دادگاه است، رأی صادره علی‌رغم حضور وکیل تسخیری، غیابی است؛ چراکه متهم در تعیین وکیل مزبور نقشی نداشته است. توجه و رعایت اصول دادرسی منصفانه چنین برداشتی را توجیه می‌نماید.

گرچه متهم در جرایم غیر مهم (غیرجنایی) تا دو وکیل و در جرایم مهم (جنایی) تا سه وکیل را می‌تواند انتخاب کند، اما از ظاهر قانون برمی‌آید که وکیل تسخیری یا معاضدتی را نمی‌توان تا میزان حداکثر انتخاب کرد؛ زیرا علاوه بر ظاهر قانون که واژه «وکیل» را به‌صورت مفرد بیان کرده است و تحمیل هزینه‌بر دولت نیز جایز نیست.

ممکن است گفته شود اهمیت برخی جرایم یا حجم پرونده‌ها، گاهی اقتضای دو یا سه وکیل را دارد پس باید به دادگاه این اجازه داده شود تا بیش از یک وکیل انتخاب کند. این سخن گرچه منطقی است، اما ظاهراً تعدد وکیل فقط در مورد وکیل انتخابی توسط متهم است و دادگاه چنین اجازه‌ای ندارد.

به عبارتی قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص ساکت است. مطابق تبصره ۳ ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرائی ق.م.م.مصوب ۱۳۷۶ «تعیین یک وکیل تسخیری برای دو یا چند متهم در یک پرونده به لحاظ تعارض دفاع از موکلین ممنوع است» با وحدت ملاک از این ماده می‌توان گفت ملاک و معیار، عدم تعارض دفاع از متهمان متعدد است (جوانمرد، ۱۳۹۴: ۳۸۸).



## ۵. نصاب وکیل در پرونده‌های کیفری

در دعوای کیفری، مطابق با ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد» بعد از این مرحله، به‌موجب تبصره ماده ۳۴۶ ق.آ.د.ک: «در غیر جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری ۱، هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند. در دعوای داخل در صلاحیت دادگاه کیفری ۱، به‌موجب ماده ۳۸۵ همان قانون، هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر سه وکیل به دادگاه معرفی کند».

در دادگاه انقلاب، با توجه به متن و تبصره ماده ۲۹۷ و ماده ۳۸۵، باید قائل به تفکیک شد: چنانچه موضوع اتهام از جرایم مذکور در بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده ۳۰۲ باشد، تعداد وکلای هر یک از طرفین حداکثر سه نفر و در سایر موارد حداکثر دو نفر می‌باشد (خالقی، ۱۳۹۴: ۳۴۶).

و همچنین در خصوص حدنصاب وکیل در دعوای حقوقی باید گفت که مستنداً به ماده ۳۱ از ق.آ.د.م هر یک از متداعیین می‌توانند برای خود حداکثر تا دو وکیل انتخاب و معرفی نمایند و چنانچه دو وکیل در پرونده‌ای معرفی شوند و صراحتاً قید نگردد که وکلا حق عمل به‌طور مستقل یا به‌طور اجتماع را دارند و عمل به وکالت اطلاق داشته باشد، مستنداً به ماده ۶۶۹ از ق.م.اصل بر اجتماع است مگر خلاف آن اثبات شود.

## بحث و نتیجه‌گیری

مقررات آئین دادرسی کیفری، در مرحله دادرسی نهایی (دادگاه)، حاوی یک سری اصول و قواعد الزام‌آور است. این اصول و قواعد (از یک‌سو)، فرایند مبارزه کیفری علیه پدیده مجرمانه را بیان کرده و (از سوی دیگر) نیز بیان‌کننده اصولی در رابطه با تضمین حقوق متهمانی است که به‌حق و یا ناحق، در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته‌اند. همچنین باید گفت که در امور کیفری، وکیل متهم، نقشی بیشتر از یک مشاور حقوقی، به‌منظور ارائه اطلاعات لازمه از مفاد قوانین را دارد. در واقع، وکیل برای متهم، به‌ویژه متهمی که در راستای صدور یکی از قرارهای تأمین، ارتباط او با دیگران قطع شده و در بازداشت به سر می‌برد، صرف نظر از ارائه مشاوره و ارائه دفاعیه، یک حمایت روحی قوی نیز به‌شمار می‌رود. این حمایت روحی، هنگامی به‌درستی شکل گرفته و تأثیرگذار می‌شود که وکیل، از نظر اخلاقی مورد اعتماد موکل بوده و آزادانه توسط او انتخاب شده باشد. این آزادی، مبنی «حق انتخاب وکیل» است که این حق نیز خود از آثار و لوازم اصل مهم‌تری به نام «حق برخورداری از وکیل» بوده، به‌گونه‌ای که این حقوق، در اسناد بین‌المللی، قانون اساسی، قوانین عادی و رویه قضایی ایران مورد پذیرش قرار گرفته‌اند.



بدیهی است که اصل به رسمیت شناختن حق اشخاص، در خصوص داشتن وکیل مدافع، صرف نظر از مرحله محاکمه، شامل مرحله تحت نظر و مرحله تحقیقات مقدماتی هم می‌شود، کما اینکه بهره‌مندی اصحاب دعوی و علی‌الخصوص متهم از خدمات حقوقی یک وکیل، در مرحله محاکمه، اهمیت بسیار فراوانی دارد، به گونه‌ای که از یک طرف، سیستم یک‌پایه‌ای و کالت در ایران حاکم بوده و افرادی به‌عنوان وکیل دادگستری، در مراجع قضایی، شرکت نموده و از حقوق موکلین خود دفاع می‌نمایند و از طرف دیگر نیز، باید گفت که در مرحله محاکمه، رسیدگی پایانی انجام شده و تصمیم نهایی، اتخاذ می‌شود. لذا اگر متهمی، وکیل نداشته باشد و به تبع آن دفاع کاملی از متهم، صورت نگیرد ممکن است که متهم بی‌گناهی مجازات و یا اینکه برای متهم، مجازاتی غیرمتناسب در نظر گرفته شود. مع‌الذالك این مهم در حالی است که به حکایت تبصره ماده ۳۴۶ از قانون مرقوم، در غیر جرایم موضوع در صلاحیت دادگاه کیفری یک، هر یک از طرفین، می‌توانند حداکثر دو وکیل، به دادگاه معرفی نموده و در جرایم موضوع در صلاحیت دادگاه کیفری یک، هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر سه وکیل، به دادگاه معرفی کنند. در حالی که حد نصاب معرفی وکیل توسط شاکی در مرحله تحت نظر و مرحله تحقیقات مقدماتی در دادگاه کیفری یک و دادگاه کیفری دو، به ترتیب سه و دو وکیل بوده، درحالی که حد نصاب معرفی وکیل توسط متهم در مرحله تحت نظر، یک وکیل و در مرحله تحقیقات مقدماتی مُستفاد از ماده ۱۹۰ و تبصره ماده ۴۸، دو وکیل می‌باشد.

مراتب فوق‌الذکر همگی در حالی است که در خصوص جرایم مهمه، یعنی در خصوص جرایم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» از ماده ۳۰۲ از قانون مرقوم، حضور وکیل برای متهم، جنبه الزامی داشته به گونه‌ای که اگر متهم، وکیلی تعیین ننماید، دادگاه‌ها برای چنین متهمانی، مبادرت به تعیین وکیل تسخیری (وکیل انتخابی) می‌نمایند، پس بنابراین داشتن وکیل یا معرفی وکیل توسط متهم، در خصوص این دسته از جرایم مهمه، یک حق صرف نبوده و باید گفت که در خصوص چنین جرایمی، داشتن وکیل مدافع، هم حق است و هم تکلیف، یعنی موکل حق انتخاب وکیل را دارد، ولی در صورتی که مبادرت به تعیین وکیل ننماید، دادگاه‌ها تکلیف دارند که مبادرت به تعیین وکیل تسخیری نمایند.

## منابع

- ابراهیمی ور کیانی، فاطمه. (۱۳۸۹). حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون. چاپ اول. جاودانه جنگل.
- امیدی، جلیل. (۱۳۹۷). تفسیر قوانین جزایی. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- حیدر علامه، غلام. (۱۳۸۹). اصول راهبردی حقوق کیفری. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- خالقی، علی. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری. جلد اول. چاپ بیست و هشتم. موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- خالقی، علی. (۱۳۹۵). نکته‌های قانون آیین دادرسی کیفری. موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- جوانمرد، بهروز. (۱۳۹۴). بایسته‌های آیین دادرسی کیفری. چاپ اول. جنگل.
- سلیمانیان، ابوالفضل؛ صدیقیان، عبدالله؛ ساجدی، امرالله. (۱۳۹۲). حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر و حقوق ایران. مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۲(۵)، ۶۳-۴۹.
- <http://ensani.ir/fa/article/335602>
- سلیمی، صادق؛ بخشی‌زاده اهری، امین. (۱۳۹۳). تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق. چاپ اول. جنگل.
- شیرپور، ولی. (۱۳۹۹). شناسایی و اعتباریابی اصول اخلاقی و سلوک حرفه‌ای وکالت از نظر موکلان، پژوهش‌های اخلاقی، ۱۰(۳۹)، ۱۴۲-۱۲۵.
- <http://akhlagh.saminattech.ir/Article/13981226236086>
- شهبازی، امید؛ باوی، حسن. (۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری ویژه اطفال و نوجوانان. چاپ اول. مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- رحیمی، موسی؛ رحیمی دهنسوری، رضا. (۱۳۹۶). گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ اول. جنگل.
- مبادری، علی؛ گلخندان، سمیرا؛ رجبیه، محمدحسین. (۱۳۹۹). مبانی و مصادیق تأثیر جایگاه اشخاص و صاحب‌منصبان عمومی و دولتی بر دادرسی کیفری با نگاهی به اسناد بین‌المللی حقوق بشری. مطالعات بین‌المللی پلیس، ۱۱(۴۲)، ۱۴۱-۱۱۹.
- [http://interpol.jrl.police.ir/article\\_94537.html](http://interpol.jrl.police.ir/article_94537.html)
- محمدی کنگک سفلی، احسان. (۱۳۹۴). دادرسی عادلانه در قلمرو کیفری ایران با تطبیق بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر. چاپ اول. مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- نیاورانی، صابر. (۱۳۸۳). حقوق بشر و بازداشت پیش از محاکمه / مرکز حقوق بشر سازمان ملل، ژنو، پیشگیری از جرم و عدالت کیفری. وفاق.
- ون بورن، جرالین. (۱۳۷۸). ایران و معیارهای بین‌المللی دادرسی نوجوانان. مجموعه سخنرانی‌های ارائه شده در کارگاه آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان در سیون سوئیس خرداد. ترجمه حمید مرعشی. چاپ اول.

